

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی



موضوع:

اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ ادب، گذشت و فرو خوردن خشم

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: عبد الله

تاریخ: ۱۴۰۱/۸/۲۴

سؤالی از محضر شما اساتید بزرگوار دارم. با توجه به اهمیّت «کظم غیظ» یعنی «فرو بردن خشم» که در آیهی ۱۳۴ سورهی آل عمران بیان شده است، لطفاً چگونگی آن را روشن کنید و همچنین بفرمایید که در چه مواردی باید خشم خود را بروز داد و فرو نبرد. در این زمینه، باید به چه اصولی پایبند بود؟ پیشاپیش از پاسخ شما سپاسگزارم.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۱/۹/۱۱

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. خشم، یک احساس طبیعی نیرومند و محرّک در انسان است که اگر توسط عقل او مهار و مدیریت نشود، می‌تواند بسیار مخرب باشد و تبعات جبران‌ناپذیری به بار آورد. از این رو، در کتاب خداوند و سنت پیامبرش، تأکید بسیاری بر لزوم مهار و مدیریت آن شده است؛ چنانکه به عنوان نمونه، در کتاب خداوند آمده است: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ «کسانی که در خوشی و ناخوشی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم گذشت می‌نمایند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» و آمده است: «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»^۲؛ «و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت می‌پرهیزند و چون به خشم می‌آیند، گذشت می‌کنند» و در روایتی آمده است: «إِنَّ رَجُلًا قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَوْصِنِي، وَلَا تُكْثِرْ فَأَنْسَى، فَقَالَ: لَا

۱. آل عمران / ۱۳۴

۲. الشوری / ۳۷

تَغَضَّبَ، فَسَأَلَهُ مِرَّارًا، كُلَّ ذَلِكَ يَقُولُ لَهُ: لَا تَغَضَّبْ»^۱؛ «مردی به رسول خدا صَلَّى الله علیه و آله و سلم گفت: من را نصیحت کن، ولی زیاد نگو که فراموش می کنم، پس فرمود: خشم نگیر، پس مرد چند بار دیگر درخواست کرد، ولی هر بار تنها به او فرمود: خشم نگیر» و در روایتی دیگر آمده است که مرد گفت: «فَفَكَّرْتُ حِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا قَالَ، فَإِذَا الْغَضَبُ يَجْمَعُ الشَّرَّ كُلَّهُ»^۲؛ «وقتی رسول خدا صَلَّى الله علیه و آله و سلم این طور فرمود به فکر فرو رفتیم، پس دیدم که خشم هر شری را به دنبال می آورد» و در روایتی دیگر آمده است که رسول خدا صَلَّى الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ»^۳؛ «پهلوان کسی نیست که خوب کشتی می گیرد، پهلوان کسی است که خود را به هنگام خشم کنترل می کند» و در روایتی دیگر آمده است که فرمود: «إِنَّ خَيْرَ الرِّجَالِ مَنْ كَانَ بَطِيءَ الْغَضَبِ، سَرِيعَ الْفَيْءِ، وَشِرَّارَ الرِّجَالِ مَنْ كَانَ سَرِيعَ الْغَضَبِ، بَطِيءَ الْفَيْءِ»^۴؛ «بهترین مردم کسی است که دیرتر به خشم می آید و زودتر آرام می شود و بدترین مردم کسی است که زودتر به خشم می آید و دیرتر آرام می شود». بر همین اساس، در نامه ای از علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آمده است: «خشم نگیر، مگر اینکه آن را فرو دهی؛ چراکه خشم دروازه ای از دروازه های دوزخ است»^۵.

۲. خشمی که در کتاب خداوند و سنت پیامبرش نكوهش شده، خشم از کاری مشروع، یا سخنی حق، یا پیش آمدی دنیوی، یا لغزشی غیر عمدی، یا آزاری از روی سفاقت است، ولی خشم از کفر یا گناه نكوهیده نیست؛ چراکه کفر و گناه، خداوند را به خشم می آورد و خشمی که با خشم خداوند هماهنگ است، نیکوست؛ مانند خشم موسی علیه السلام بر بنی اسرائیل هنگامی که در غیبت او گوساله ی زرین را پرستیدند؛ چنانکه فرموده است: ﴿فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي﴾^۶؛ «پس موسی با خشم و اندوه به سوی قومش بازگشت، گفت: ای قوم من!

۱. موطأ مالك (رواية يحيى)، ج ۲، ص ۹۰۵؛ الجامع لابن وهب، ص ۵۱۱؛ الأمثال للقاسم بن سلام، ص ۱۵۱؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۷، ص ۵۶؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۲۱۶؛ مسند أحمد، ج ۱۴، ص ۳۵۷، ج ۳۳، ص ۴۶۸؛ الزهد لهناد بن السري، ج ۲، ص ۶۰۷؛ صحيح البخاري، ج ۸، ص ۲۸؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۳۷۱؛ مسند أبي يعلى، ج ۱۰، ص ۵۱؛ مساوي الأخلاق للخرائطي، ص ۱۴۹.

۲. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۱۸۷؛ مسند أحمد، ج ۳۸، ص ۲۳۶؛ مساوي الأخلاق للخرائطي، ص ۱۵۰؛ معرفة الصحابة لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۶، ص ۳۱۲۴؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۱۸۰.

۳. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۱۸۸؛ موطأ مالك (رواية يحيى)، ج ۲، ص ۹۰۶؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۲۱۶؛ مسند أحمد، ج ۱۲، ص ۱۵۳؛ صحيح البخاري، ج ۸، ص ۲۸؛ صحيح مسلم، ج ۸، ص ۳۰؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۹، ص ۱۵۲؛ أدب النفوس للأجري، ص ۲۵۳؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

۴. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۳۴۶؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۳، ص ۶۱۴؛ مسند أحمد، ج ۱۷، ص ۲۲۸؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد، ج ۲، ص ۶۶؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۴۸۳؛ مسند أبي يعلى، ج ۲، ص ۳۵۲؛ مساوي الأخلاق للخرائطي، ص ۱۴۸.

۵. نامه ی ۱۶

۶. طه / ۸۶

آیا پروردگارتان به شما وعده‌ای نیکو نداد؟! آیا پس زمان زیادی بر شما گذشت یا خواستید که خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با من خلف وعده کردید؟!» و فرموده است: **«وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بُسِمًا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَالْقَى الْأَلْوَاخَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ اسْتَصْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»**^۱؛ «و چون موسی با خشم و اندوه به نزد قومش بازگشت گفت: در نبود من چه بد جانشینانی برایم بودید! آیا در کار پروردگارتان عجله کردید؟! و الواح (تورات) را انداخت و (موسی) سر برادرش را گرفت و به سوی خود کشید! (هارون) گفت: ای پسر مادرم! مردم من را ناتوان کردند و نزدیک بود من را بکشند، پس دشمنان را دربارهی من شاد نکن و من را با قوم ظالمان قرار نده»، یا مانند خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در باره‌اش روایت شده است: **«كَانَ لَا تَغْضِبُهُ الدُّنْيَا وَمَا كَانَ لَهَا، فَإِذَا تُعْطِيَ الْحَقَّ لَمْ يَعْرِفْهُ أَحَدٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِعَظْمِ شَيْءٍ حَتَّى يَنْتَصِرَ لَهُ، وَلَا يَغْضَبُ لِنَفْسِهِ، وَلَا يَنْتَصِرَ لَهَا»**^۲؛ «دنیا و چیزی که برای دنیا بود او را به خشم نمی‌آورد، ولی هرگاه حق زیر پا گذاشته می‌شد، کسی او را نمی‌شناخت و چیزی جلودار خشمش نبود تا آن گاه که آن را بازستاند و برای خودش به خشم نمی‌آمد و انتقام نمی‌گرفت». از این رو، خداوند کسانی که بر کافران و گناه‌کاران خشمگین هستند را ستایش کرده و به عنوان نمونه فرموده است: **«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»**^۳؛ «محمد فرستاده‌ی خداوند است و کسانی که با او هستند در رابطه با کافران خشن و میان خود مهربانند» و فرموده است: **«إِذْلَهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»**^۴؛ «بر مؤمنان فروتن و بر کافران سرسختند» و فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً»**^۵؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! با کافرانی که به شما نزدیکند بجنگید و بایسته است که در شما درشتی ببینند». بیهوده نیست که در روایات اسلامی، از یاران مهدی با عنوان **«جَيْشُ الْعَصَبِ»**؛ «سپاهیان خشم» یاد شده است؛ چراکه آنان برای خداوند خشمگینند.^۶

۳. خشمی که برای خداوند باشد، نیکوست، مشروط به اینکه موجب عبور از مرزهای عدالت نشود؛ چنانکه فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ**

۱. الأعراف / ۱۵۰

۲. الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۱، ص ۴۲۲؛ الأخبار الموفقيات للزبير بن بكار، ص ۱۳۴؛ المعرفة والتاريخ للفسوي، ج ۳، ص ۲۸۵؛ الشمايل المحمدية للترمذي، ص ۱۸۴؛ صفة النبي لابن شعيب، ص ۱۲؛ السيرة النبوية وأخبار الخلفاء لابن حبان، ج ۱، ص ۴۱۱؛ الأحاديث الطوال للطبراني، ص ۲۴۵؛ أخلاق النبي لأبي الشيخ الأصبهاني، ج ۲، ص ۹؛ دلائل النبوة لأبي نعيم الأصبهاني، ص ۶۲۷؛ دلائل النبوة للبيهقي، ج ۱، ص ۲۸۸

۳. الفتح / ۲۹

۴. المائدة / ۵۴

۵. التوبة / ۱۲۳

۶. بنگرید به: الغيبة للنعماني، ص ۳۲۵.



شَتَّانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا^۱ اَعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ^۲؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! بر پا دارندگان برای خداوند و گواهی دهندگان به عدالت باشید و دشمن داشتن گروهی شما را و ندارد به اینکه عدالت نورزید، عدالت ورزید که آن به تقوا نزدیک‌تر است». از همین رو، روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حال خشم، چیزی جز حق نمی‌فرمود؛ چنانکه یکی از یارانش روایت کرده است: «قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَكُتِبَ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: فِي الْغَضَبِ وَالرَّضَا؟ قَالَ: نَعَمْ، فَإِنِّي لَا أَقُولُ فِيهِمَا إِلَّا حَقًّا^۳؛ «گفتم: ای رسول خدا! آیا هر چه از تو می‌شنوم را بنویسم؟ فرمود: آری، گفتم: در حال خشم و رضایت؟ فرمود: آری؛ چرا که من در هر دو حال، جز حق نمی‌گویم». از اینجا دانسته می‌شود که اعتقاد برخی غالیان شیعه به جواز بهتان به اهل بدعت، تا چه اندازه با قرآن و سنت ضدیت دارد؛ زیرا بهتان به آنان، از مصادیق بارز بی‌عدالتی و دروغگویی درباره‌ی آنان است که به وضوح با سخن خداوند و سیره‌ی پیامبرش در تعارض است.

۴. خشم نابجا، ناشی از برخی ردائل نفسانی مانند تکبر، تعصب و اهمیّت دادن بیش از حد به دنیاست و از این رو، اصلاح آن‌ها می‌تواند به جلوگیری از آن بینجامد؛ چنانکه روایت شده است: «إِنَّ يَحْيَىٰ بْنَ زَكَرِيَّا لَقِيَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ، فَقَالَ: أَحْبَبْتُ بِمَا يَقْرَبُ مِنْ رِضَا اللَّهِ، وَمَا يُبْعَدُ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ، فَقَالَ: لَا تَغْضَبْ، قَالَ: الْغَضَبُ مَا يُبْدِيهِ، وَمَا يُعِيدُهُ؟ قَالَ: التَّعَزُّزُ، وَالْحَمِيَّةُ، وَالْكِبْرِيَاءُ، وَالْعِظْمَةُ^۴؛ «یحیی بن زکریّا با عیسی بن مریم ملاقات کرد، پس به او گفت: من را از چیزی خبر بده که به رضای خداوند نزدیک و از خشم او دور می‌کند، پس فرمود: خشم نگیر، گفت: خشم از چه چیزی آغاز می‌شود و با چه چیزی برمی‌گردد؟ فرمود: خودپسندی، تعصب، تکبر و خودبزرگ‌بینی». علاوه بر این، بهترین عامل بازدارنده از خشم نابجا، یاد خداوند است؛ چرا که یاد خداوند، ظرفیّت انسان را افزایش می‌دهد و او را در برابر حق متواضع می‌کند و از اهمیّت دادن بیش از حد به دنیا و رفتار و گفتار اهلش باز می‌دارد و بدین سان، زمینه‌ی خشم نابجا را در او از بین می‌برد، تا حدّی که می‌توان گفت خشم نابجا، تنها در حال غفلت از یاد خداوند پدید می‌آید و تبعاً با یاد خداوند و پناه بردن به او از شرّ شیطان فروکش می‌کند؛ چنانکه روایت شده است: «اسْتَبَّ رَجُلَانِ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَغَضِبَ أَحَدُهُمَا غَضَبًا شَدِيدًا وَاحْمَرَّ وَجْهُهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنِّي لِأَعْلَمُ كَلِمَةً لَوْ قَالَهَا لَذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ^۵؛ «دو مرد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به یکدیگر دشنام دادند،

۱. المائدة/ ۸

۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۳۱۳؛ مسند أحمد، ج ۱۱، ص ۵۹۳؛ مسند الدارمي، ج ۱، ص ۴۲۹؛ سنن أبي داود، ج ۳، ص ۳۱۸؛ مسند البزار، ج ۶، ص ۴۳۷؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۴، ص ۲۶

۳. الزهد والرفائق لابن المبارك، الملحق ۱۲؛ الجامع لابن وهب، ص ۵۷۷؛ المنهيات للحكيم الترمذي، ص ۱۲۹

۴. مسند أبي داود الطيالسي، ج ۱، ص ۴۶۳؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۲۱۶؛ مسند أحمد، ج ۳۶، ص ۴۰۵؛ الزهد لهناد بن السري، ج ۲، ص ۶۰۹؛ صحيح البخاري، ج ۴، ص ۱۲۴؛ صحيح مسلم، ج ۸، ص ۳۰؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۲۴۹؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۵۰۴؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۹، ص ۱۵۰

پس یکی از آن دو سخت به خشم آمد و رویش سرخ شد، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من کلمه‌ای را می‌شناسم که اگر آن را بگوید، این حالتش از بین می‌رود: از شیطان رانده شده به خداوند پناه می‌برم». علاوه بر این، نشستن، تکیه دادن، وضو گرفتن و سکوت کردن در هنگام خشم نابجا نیز می‌تواند به از بین رفتن آن کمک کند؛ چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «إِنَّ الْغَضَبَ جَمْرَةٌ تُوقَدُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ، أَلَمْ تَرَوْا إِلَى انْتِفَاحِ أُودَاجِهِ وَإِلَى احْمِرَارِ عَيْنَيْهِ، فَإِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ذَلِكَ، فَإِنْ كَانَ قَائِمًا فَلْيَقْعُدْ، وَإِنْ كَانَ قَاعِدًا فَلْيَتَّكِ؛^۱ «خشم آتشی است که در قلب فرزند آدم شعله‌ور می‌شود، آیا نمی‌بینید که چطور رگ‌های گردنش باد می‌کند و چشمانش سرخ می‌شود؟! پس هرگاه یکی از شما به آن دچار شد، اگر ایستاده است بنشیند و اگر نشسته است تکیه دهد» و فرمود: «إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ»^۲؛ «هرگاه خشمگین شدی، سکوت کن» و فرمود: «إِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَإِنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ مِنَ النَّارِ، وَإِنَّمَا تُطْفَأُ النَّارُ بِالْمَاءِ، فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ»^۳؛ «خشم از شیطان است و شیطان از آتش آفریده شده است و آتش با آب خاموش می‌شود. پس هرگاه یکی از شما خشمگین شد، وضو بگیرد».

خداوند به همه‌ی مؤمنان توفیق دهد که برای هیچ کس و هیچ چیز جز خداوند و دین او خشم نگیرند و هرگاه خشم گرفتند، خشم خود را فرو برند، پیش از اینکه در آن، سخنی ناراست گویند یا کاری نادرست کنند.



بایکة اطلاع بر سبک‌های فقهی و حقوقی
چشم‌انداز بر سبک‌های فقهی و حقوقی



۱. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱، ص ۱۸۸؛ الجامع لابن وهب، ص ۵۷۵؛ مسند أحمد، ج ۱۸، ص ۱۳۲؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۲۴۹؛ صحيح ابن حبان، ج ۲، ص ۳۲۳؛ المعجم الأوسط للطبراني، ج ۴، ص ۱۴۰
۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۲۱۶؛ مسند إسحاق بن راهويه (مسند ابن عباس)، حديث ۷۶۰؛ مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۳۸؛ الزهد لهناد بن السري، ج ۲، ص ۶۱۰؛ الأدب المفرد للبخاري، ص ۴۴۷؛ مساوي الأخلاق للخرائطي، ص ۱۵۰
۳. مسند أحمد، ج ۲۹، ص ۵۰۵؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۲۴۹؛ الأحاد والمثاني لابن أبي عاصم، ج ۲، ص ۴۶۴؛ مساوي الأخلاق للخرائطي، ص ۱۶۱

www.alkhorasani.com

بایکة اطلاع بر سبک‌های فقهی و حقوقی



صفحه توییتر

صفحه اینستاگرام

صفحه تلگرام

صفحه فیس‌بوک

کانال یوتیوب

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.